

بررسی معمای قتل افشارطوس

(ش ۱۳۳۲)

میرهادی حسینی^۱

جواد عباسی کنگوری^۲

چکیده

رمز موفقیت کودتای ۲۸ مرداد و سرکوبی نهضت ملی در ایجاد تفرقه بین مصدق و آیت الله کاشانی و ایجاد فضایی مملو از بدبینی بین ایشان بود که به زشت‌ترین نوع از تخاصم و تنازع سیاسی به طرفداران دو جناح نیز منتقل گردید، تا جایی که در حساس‌ترین لحظات تاریخ ساز مردم در نهایت بی تفاوتی به کناری رانده شدند و قلبی از وابستگان به بیگانه، مراکز مهم را با حمایت مالی، تبلیغاتی و اطلاعاتی آمریکا و انگلیس به تصرف درآوردند و شاه را که فرار را بر قرار ترجیح داده بود دوباره به قدرت باز گردانند. بی شک یکی از تاثیرگذارترین وقایع مهم در تنافر و جدایی دو رهبر ملی و مذهبی نهضت را ربایش و قتل افشارطوس رئیس شهربانی دکتر مصدق باید دانست که معمار اجرا و به بار نشستن این فتنه یک رجل سیاسی کهنه کار از درون نهضت ملی «مظفر بقایی» بود. در این تحقیق، مستندات غیرقابل تردید از نقش وی در این عملیات مؤثر، از طریق جمع آوری، بررسی و تحلیل کتاب‌های موضوعی، خاطرات رجال سیاسی و کتب معتبر موضوعی ارائه می‌گردد برای اولین بار تکلیف قطعی مهم‌ترین سند اتهامی او در این قتل یعنی دفترچه جیبی افشارطوس روشن می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مصدق، کاشانی، نهضت ملی، کودتای ۲۸ مرداد، افشارطوس.

hosseini@khu.ac.ir

abbasijavad110@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵



مقدمه

قتل افشار طوس از جمله پیچیده‌ترین اقدامات اجرایی پنهان در ایران است که از پشتیبانی عملیات روانی و همراهی بسیاری از شخصیت‌های مؤثر و رسانه‌های مطرح آن دوران برخوردار بود و توانست به اهداف از پیش تعیین شده خود در دو قطبی کردن جامعه و تنافر جدی رهبران مطرح سیاسی تا آستانه حذف کامل یکدیگر و میدان دادن به دربار و شاه برای تعامل با بیگانگان در اجرای این کودتا که منجر به ادامه سلطه استبداد و استعمار بیگانه بر کشور گردید، نائل آید. متأسفانه هنوز هم افکار عمومی از ورود هوشمندان به این پرونده بسیار مهم و کشف دهلیزهای ناشناخته آن محروم مانده است.

پیوستگی اجرای این قتل برنامه ریزی شده با حوادث به هم مرتبط چهار ماه پرتنش تا انتهای مرداد ۱۳۳۲، آنگاه که از بیرون آن ظرف زمانی مورد تأمل قرار می‌گیرد، حکایت از مهندسی افکار عمومی برای به حاشیه راندن آن دارد و با وجود قرائن و شواهد متعدد و مستند در تأیید آن به دلیل به ارث رسیدن تحلیل‌های سیاسی بشدت دوقطبی از آن دوران و بیم تحلیلگران سیاسی از برجسب خوردن‌های ناخوشایند، آنگونه که در شان تاریخ سیاسی معاصر کشورمان بوده وهست به این واقعه و حوادث پس از آن توجه مبذول نگشته، در این تحقیق بر آنیم تا با حفظ بیطرفی در ارائه اسناد و مدارک غیر قابل تردید این نقیصه تا حدی جبران گردد. پس از بررسی منابع متنوع تاریخی و مقالات موجود در حوزه‌های دانشگاهی کشور یکی از بهترین ورودی‌ها به تاریخ سیاسی آن دوران از شکل‌گیری نهضت ملی تا وقوع کودتای ۲۸ مرداد، را شخصیتی نام آشنا و پر هیاهو به نام «مظفر بقایی» یافتیم که در حوادث تعیین کننده‌ای چون نهضت ملی شدن نفت، ترورهای فراموش ناشدنی آن دوران (هژیر و رزم آرا) و تجزیه و تشتت درون جبهه ملی و به رویارویی کشاندن مجلس و دولت و نهایتاً موفقیت اجرای کودتای ۲۸ مرداد نقشی بی بدیل داشته است.

در این تحقیق به قتل افشار طوس رئیس شهربانی دولت دکتر مصدق و پیامدهای آن می‌پردازیم که در ابتدا با بررسی یک ماهه روزنامه اطلاعات از ابتدا تا انتهای اردیبهشت ۱۳۳۲ و مروری بر اخبار و گزارشات مهم مندرج در آن آغاز می‌نماییم.

واقعه نگاری قتل افشار طوس

طی این ماه و در روزهای اول همه تیرها، مقالات و تحلیل‌ها به سمت بزرگ‌ترین پرونده جنایی سیاسی معطوف بود، خبر از دستگیری‌های جدید، تعقیب فراریان، جایزه‌های کلان برای کسانی که اطلاعات مفید از مجرمان در

اختیار بگذارند اسامی افسران دستگیر شده، کیفیت قتل و انتشار اعترافات متهمین اما به مرور با تعقیب تیرها و تحلیل‌های روزنامه‌ها آشکار می‌شود که شبکه همکاران توطئه‌گران در مطبوعات با دقت ریل‌گذاری افکار عمومی را به سمت جاذبه‌های جنجالی و انحرافی آدرس دهی کردند، مانند: دعوا بر سر لایحه اختیارات پیشنهادی نخست‌وزیر، ایجاد فراکسیون‌های جدید در مجلس و تجزیه جبهه متحد مردمی به سردمداری عناصر بد سابقه، موافقت آیت‌الله کاشانی با تحصن سرلشکر فراری زاهدی در مجلس و حمایت از وی، حضور نمایندگان در افتتاحیه بیمارستان هدایت در معیت شاه، زد و خورد شدید بین نمایندگان و تماشاچیان در مجلس با میدان‌داری عوامل مرتبط با بقایی، سفر تفریحی یک‌ماهه شاه به رامسر مقارن با ماه مبارک رمضان، پیشنهاد نمایندگان به تعطیلی یک ماهه مجلس، تشنج در مجلس به بهانه تجدید انتخابات هیئت رئیسه، آغاز دعوی جدید توسط بقایی برسر نماینده جدید کرمان در مجلس، بحث بر سر درخواست سلب مصونیت بقایی از نمایندگی مجلس و لزوم پاسخگو بودن او به اتهاماتش در مرجع قضایی در مورد قتل افشار طوس، میدان‌داری همدستان بقایی در ایجاد درگیری‌های خیابانی در مخالفت با سلب مصونیت بقایی، نطق‌های تند بقایی و زهری در وارد کردن اتهام شکنجه دستگیرشدگان و ادعای اینکه اقاویر تحت فشار اخذ شده و اعتبار ندارد، حائری زاده، میر اشرافی، قنات آبادی و بقایی تندترین نطق‌ها راعلیه دولت بیان و ربایش و قتل افشار طوس را طرح دولت برای حذف مخالفین قلمداد می‌کنند.

یک ماه مرور بر مطالب منتشر شده نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین واقعه جنایی و سیاسی مرتبط با نهضت ملی که دولت را با چالش جدی مواجه کرده بود به مرور در صفحات روزنامه‌ها به حاشیه رانده شد، موضوعات جنجالی دیگری برای به فراموشی بردن آن پررنگ تر شدند. (ر.ک روزنامه اطلاعات سال ۱۳۳۲ از یکم تا سی و یکم اردیبهشت ماه)

کیفیت ربایش و قتل

مجموعه‌ای از افسران از طریق حسین خطیبی و سرتیپ زاهدی از منسوبین سرلشکر زاهدی، بعنوان یک هسته نظامی امنیتی مخفی به مظفر بقایی وصل شدند که هسته اصلی دولت بعدی را نیز تشکیل خواهند داد: مزینی رئیس ستاد ارتش، دکتر منزّه وزیر بهداشت، سرتیپ بایندر وزیر دفاع یا وزارتخانه‌ای دیگر، سرتیپ زاهدی هم از عناصر مهم کابینه، سرگرد بلوچ قرایی (ترجیحاً ریاست ژاندارمری). جهت اجرای طرح ربایش چند روز عملیات دستگیری و بیهوشی افشارطوس در منزل حسین خطیبی توسط افراد تمرین شد و حتی انتقال مخفیانه او به غاری در حوالی لشکرک نیز با عوامل محلی توسط «امیر علایی» کاملاً پیش بینی و تدارک گردید.





روز چهارشنبه دوم اردیبهشت ماه حسین خطیبی به زاهدی پیام داد که باید همه آقایان در منزل دکتر مظفر بقایی حاضر باشند. خطیبی به آن‌ها اعلام می‌کند با اوراقی که از جیب افشار طوس بدست آمده ثابت می‌شود که او قصد داشته همه آن‌ها را ترور نموده و کودتا نماید و اعلام نمود یادداشت‌ها نزد دکتر بقایی و در محل مناسبی نگهداری می‌گردد. پس از ورود دکتر بقایی به منزل وی اظهارات خطیبی را تأیید نموده و اعلام کرد نگهداری و یا آزاد کردن افشار طوس خطرناک است و باید از بین برود. دستگیر شدگان در بازجویی اعلام کردند که طراحی اصلی این ترور با مظفر بقایی و همدستی حسین خطیبی بوده و تصمیمات اصلی را آن‌ها اتخاذ و دیگران مجری دستورات بوده‌اند. در همان شب بلوچ قرایی و دو همدستش به بهانه انتقال افشار طوس به محل دیگری، وی را از غار خارج و او را به قتل رسانده و دفن نمودند. (ر.ک ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۱-۱۵۷)

دلایل انتخاب افشار طوس

او فرزند حسین خان شبل السلطنه معروف به باشی متولد ۱۲۸۵ تهران است که از طریق ملکه توران امیرسلیمانی مادر غلامرضا پهلوی با دکتر محمد مصدق نسبت خانوادگی داشت. پس از تحصیلات مقدماتی و گذران مدرسه نظام به اخذ درجه ستوان دومی نائل و در ۱۳۱۳ مسئول املاک سلطنتی در شمال کشور گردید، در دوران شهریور ۱۳۲۰ اموال بسیار زیادی از اموال سلطنتی را که به تاراج رفته بود توانست مجدداً ضبط و به تهران مسترد نماید، دو سه سال اول بعد از شهریور ۱۳۲۰ فرمانده پادگان در اصفهان بود، مدتی فرمانده تشکیلات تهران همدان و کرمانشاه و در سال ۱۳۲۴ به رکن سوم ستاد منتقل گردید مدتی بعد رئیس اداره دروس آموزشی دانشگاه جنگ شد و در ۱۳۳۱ از طرف دکتر محمد مصدق به سمت فرمانداری نظامی و سپس ریاست شهربانی کل کشور منصوب گردید (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۲۱-۲۳)

امیرلشگرهای رضاخان یا جذب مال و ثروت شدند یا جذب جریانات چپ ولی افشار طوس با اینکه رئیس املاک اختصاصی در مازنداران بود سالم ماند و در دسته بندی‌های ارتش هم وارد نشد، او گروه افسران ناسیونالیست را در دوره مصدق از میان افسران پاکدامن راه اندازی کرد و دنبال تصفیه در ارتش بود. توطئه ۹ اسفند با جانفشانی افشار طوس و همکارانش خنثی شد و الا توطئه قتل مصدق تکمیل می‌شد (بهنود، ۱۳۷۸: ۶۱۲) قتل افشار طوس بلافاصله پس از موفقیت دولت مصدق در سرکوب شورش مسلحانه ابوالقاسم خان بختیاری که نیازهای تسلیحاتی او توسط (MI 6) تأمین شده بود انجام گرفت (بدیعی، ۱۳۸۲: ۱۳۰)



پیام دیگر این ربایش و ترور خطاب به آمریکائی‌ها بود که دولت مصدق قابل اطمینان نیست و لذا فاستروالس وزیر خارجه آمریکا که قرار بود پس از سفر به پاکستان به ایران مسافرت نماید، علیرغم برنامه قبلی با وقوع این قتل سفرش را منتفی نمود (محمدآقا و محمد صدیقی، ۱۳۶۵: ۶۴)

طبق گزارش سفارت آمریکا شاه در تحقیقاتی که اواخر اسفند ۱۳۳۱ انجام داد، به این نتیجه رسیده بود که سرتیپ محمود افشار طوس از جمله افسرانی است که نمی‌تواند روی وفاداری او به خود حساب کند (رهنما، ۱۳۸۴: ۸۰۱) و آیت الله کاشانی نیز نسبت به او خوشبین نبود؛ زیرا یک روز پس از تصویب لایحه اختیارات، سرتیپ کمال رئیس شهربانی که به آیت الله کاشانی نزدیک بود برکنار و سرتیپ افشار طوس جایگزین او شده بود (همان: ۷۹۵)، با این اوصاف افشارطوس نه چهره‌ای مقبول از دید آیت الله کاشانی و نه شاه و دربار بود، او راه خود را در جهت برقراری امنیت در جامعه ملت‌هت سیاسی با محوریت حفظ دولت ملی مصدق در پیش گرفته بود، لذا با قاطعیت در پی ایجاد نظم جلوگیری از خود سری‌ها و تنازعات خیابانی بود و اقدامات مؤثری در این زمینه را تعقیب می‌کرد بعنوان مثال، ملاقات با عبدالحسین واحدی و متقاعد کردن او به پذیرش نظم و قانون (همان: ۴۰۷) و دستور به شهربانی جهت تأمین حفاظت همه راهپیمایی‌ها (همان: ۹۵۵) و از سویی دیگر با اطلاع از شبکه همکاران سرتیپ شوارتسکف فرمانده آمریکایی سابق ژاندارمری و اعلام اسامی آن‌ها در مراسم رسمی یک روز قبل از ربایش، همگی ایشان را به دستگیری و اعدام تهدید کرده بود (ماسلی، ۱۳۶۵: ۳۳۸-۳۳۹) دربار و شاه تصمیم گرفته بودند افشار طوس را از مصدق جدا کنند، در یکی از ملاقات‌ها شاه به افشار طوس پیشنهاد کودتا علیه مصدق را داد و لیستی از اعضاء کابینه پس از کودتا را به او ارائه نمود که مظفر بقایی هم در بین آن‌ها بود، افشار طوس این قضیه را نزد مصدق افشا کرد و این باعث اعتماد بیشتر مصدق به او گردید. (محمد آقا و صدیقی، ۱۳۶۵: ۶۲) از طرف دیگر، بقایی نیز که افشار طوس را کاملاً مد نظر قرار داده بود، نتوانست موضعگیری خصمانه خود علیه او را پنهان نگه دارد و در سفر فروردین ماه ۱۳۳۲ به دزفول که با حمایت کامل علم انجام شده بود با تحریک طرفداران حزب زحمتکشان در حمله به دفاتر حزب توده با سخنرانی تندی که علیه شبکه افسران ملی به ریاست افشار طوس نمود گفت افسران قسم خورده‌ای که خوش رقصی می‌کنند را به منازلشان حمله می‌کنیم و خودشان را می‌کشیم به زن و بچه‌هایشان رحم نمی‌کنیم، دو هفته بعد از این تهدید علنی افشار طوس ربوده و به قتل رسید. (محمد آقا و صدیقی، ۱۳۶۵: ۶۲)



شبکه افسران افشار طوس

از اواخر سال ۱۳۳۰ وی به همراه جمع دیگری از نظامیان هوادار مصدق منجمله سرهنگ مصور رحمانی که گروه ۲۶ نفره‌ای از افسران را تشکیل می‌دادند برای خنثی سازی توطئه‌های پنهان نظامیان مرتبط با دربار تشکیلاتی مخفی را راه اندازی نمودند. (بدیعی، ۱۳۸۲: ۱۹۵-۱۹۶) این مجموعه در ابتدا فقط کارشان مقابله با افسران رشوه گیر و فاسد بود و کم کم توسعه یافته بودند بجز او که اخیراً سرتیپ شده بود، پنج سرتیپ دیگر را نیز جذب نمود (سرشار، ۱۳۹۲: ۶۰۲-۶۰۳) افسران ناسیونالیست، بعدها به نام سازمان گروه ملی نیز اشتهار یافت، این‌ها در منزل افشار طوس اجتماع می‌کردند و ۴ هدف را در دستور کار سازمان مخفی خود داشتند:

۱. مطالبه دمکراسی برای ایران
 ۲. انتزاع فرماندهی قوای مسلح از شاه
 ۳. حذف رده‌های بالای امیری (ارتشبد، سپهبد، سرلشگر) بطور کامل و جایگزینی سرتیپ‌های جدید و صالح
 ۴. اقدام در مقابل عناصر اخلاک‌گر و مخالف دولت ملی مصدق
- پیشنهادات آن‌ها به مصدق برای حذف ۱۳۶۰ نفر از افسران که صلاحیتشان تأیید نشده بود به جریان لیکن متأسفانه حداکثر ده درصد آن‌ها کنار گذاشته شدند و بقیه تا اجرای کودتا در مناصب مهم باقی ماندند (سررشته، ۱۳۶۷: ۳۸) متأسفانه تأثیرپذیری مصدق از آقایان حق شناس و زیرک زاده باعث شد نقی ریاحی بجای سرتیپ محمود امینی برای تصدی جانشینی فرمانده کل قوا انتخاب شود و نهضت ملی به واسطه این انتصاب غلط از درون لطمه خورد و نقی ریاحی تا ۲۸ مرداد با کودتاچیان همکاری کرد و متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز توسط مهندس بازرگان بعنوان وزیر دفاع بکارگیری شد (مصور رحمانی، ۱۳۶۷: ۲۳۹)، اولین نمایش اقتدار این گروه در ممانعت از ورود نیروی هوایی به سرکوب مردم در قیام ۳۰ تیر بود. (بدیعی، ۱۳۸۲: ۱۹۶) این گروه همچنین اقدامات موثری در دستگیری و برکناری افسران بدسابقه شهربانی چون: قربانی، فاطمی و طوس را به ریاست شهربانی نصب نمود و به هر دو کمال در کارنامه خود داشت. (همان: ۲۲۰-۲۲۶) فضای بعد از سی تیر باعث شد شاه با واگذاری وزارت دفاع به دکتر مصدق موافقت کند و مصدق به سرتیپ نقی ریاحی و افشار طوس توصیه کرد به شاه نزدیک شوند و او را در جریان کارها بگذارند و اگر توصیه‌ای داشت که خلاف نبود بدان عمل کنند و افشار طوس پس از ریاست شهربانی دوشنبه‌ها برای دیدار شاه به کاخ می‌رفت، پس از تعطیلات نوروز ۱۳۳۲ که شاه از سفر شمال به تهران بازگشت، افشار طوس را پذیرفت و با زمینه‌سازی‌ها و ترفندهای حيله گرانه سعی در

جذب نظر افشار طوس به خود نمود و از اینکه نمی‌تواند به دلیل مشکلات مالی از چنین افسر لایقی قدردانی کند عذر تقصیر آورد و با این مقدمه سازی‌ها با تأکید بر خطر توده‌ای‌ها و قدرت‌گیری آن‌ها چند توصیه نمود، که مهم‌ترین آن برقراری ارتباط با بقایی بود! افشار طوس پیشنهاد شاه را به مصدق اطلاع داد. مصدق مخالفت نکرد لیکن از او خواست کاملاً مراقب عوامل بقایی باشد (سرشار، ۱۳۹۲: ۶۰۵-۶۰۶) افشار طوس مظفر بقایی را به جلسات مخفی افسران دعوت کرد و در غیاب او نیز خطیبی در این جلسات شرکت می‌کرد افشار طوس پس از تأکیدات اخیر شاه و مصدق ملاقاتی خصوصی با مظفر بقایی منعقد نمود (ترکمان، ۱۳۶۳: ۸) و در این جلسه بقایی مصدق را متهم کرد که با کمک فدائیان اسلام افسری چون رزم‌آرا را کشته تا به نخست‌وزیری برسد و سه بار گفت که از مخالفت خود با رزم‌آرا پشیمان است و الان هم تصور می‌کند که مملکت به یک نظامی احتیاج دارد که در رأس دولت بنشیند! (همان: ۶۰۷-۶۰۸)، ابقایی با تمامی طرفین ذیربط در وقایع سیاسی و امنیتی ارتباط برقرار و ضمن اطلاع از حساسیت‌ها و مواضع آن‌ها با هنرمندی آستانه تحریک‌پذیری ایشان را کشف می‌نمود، بنظر می‌رسد حتی امکان استفاده از افشار طوس علیه مصدق را نیز کاملاً بررسی نموده و از اجرایی بودن آن ناامید گشته بود. متأسفانه افشار طوس با دعوت از بقایی به جلسات افسران گروه ملی پای او را به این جمع باز کرد که در غیاب بقایی، خطیبی بجای او در بعضی جلسات شرکت می‌کرد، حسین خطیبی از اعضاء سابق اداره اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش و با سابقه همکاری با حزب توده در این کانون حساس نفوذ پیدا کرد (محمدآقا و صدیقی، ۱۳۶۵:

۶۱-۶۲) و به مرور پای بلوچ قرایی نیز به جلسات مخفی آن‌ها باز شد. (بدیعی، ۱۳۸۲: ۲۴۵)

با این اوصاف بقایی، خطیبی و بلوچ قرایی که بر اثر بی‌توجهی شبکه افسران گروه ملی به مسائل حفاظتی به درون آن‌ها راه پیدا کرده بودند با چشمی باز و احراز توانمندی همه جانبه در بهترین موقعیت و به مناسب‌ترین روش ضربه اساسی خود را بر پیکر این گروه با رایش و قتل افشار طوس وترد نمودند.

از جمله افسرانی که به نهضت ملی و مصدق وفادار بوده و با شناسایی توسط عوامل بقایی، جان در این راه نهاد، «سرگرد احمد سخایی» است که نفوذی‌های شبکه بقایی با شناسایی وی مصدق را مجبور کردند او را از ریاست گارد حفاظت مجلس کنار بگذارد قطعاً اگر او مسئول حفاظت مجلس می‌بود مانعی جدی بر سر راه پناه گرفتن سرلشکر زاهدی در مجلس پس از تلاش فرمانداری نظامی تهران برای دستگیری وی بود، داستان قتل فجیع و کینه‌توزانه او در ۲۸ مرداد در کرمان که سرتیپ امان پور (بهایی) در آن نقش داشت بحث مستقلی نیاز دارد.





جلسه دعوت از افشار طوس به منزل خطیبی

افشار طوس هم به دلیل انگیزه‌های شخصی و هم تأکیدی که شاه به او نموده بود و هم ظاهرسازی‌های مظفر بقایی، در مسیر تنش زدایی بین مصدق و بقایی وارد شده بود و طبیعتاً شرکت در جلسات خصوصی در این راستا نیز مدتی در دستور کار او بود، بسیاری در حاشیه سازی نسبت به ملاقات افشار طوس با خطیبی در منزل خطیبی، نقدهایی وارد کرده‌اند تا انگیزه حضور افشار طوس را در منزل خطیبی به احتمال تماس عاشقانه او با فروغ خطیبی (خواهر خطیبی) ربط دهند و حتی او را به زناکاری متهم کردند. (سرشار، ۱۳۹۲: ۶۰۸) اما به غیر از بعضی جوسازی‌های مقطعی مستندی جدی از روابط عاشقانه افشار طوس با فروغ خطیبی در مرحله تحقیقات و دادرسی‌های بعدی مطلبی بدست نیامد و شایعاتی که حتی منجر به احضار و بازداشت موقت فروغ در اردیبهشت ۱۳۳۲ گردید، و اختصاص تیزی در خصوص اینکه «فروغ خطیبی به چه مواردی اعتراف کرده است» در روزنامه اطلاعات بیست و هشتم همان ماه که اذهان را متوجه احتمال مشارکت فروغ در دعوت افشار طوس به این منزل می‌نمود نیز به نتیجه قطعی نرسید. بنظر می‌رسد حتی اگر فروغ خطیبی طعمه‌ای برای به خلوت کشاندن ریاست شهربانی دولت ملی مصدق بوده و این پروژه یک تله گذاری اطلاعاتی بوده است. قطعاً شبکه‌های مجری این پروژه اندک انگیزه‌ای برای افشای آن نداشته‌اند تا همچنان سر به مهر باقی بماند، مورخین و نویسندگان بعدی نیز جز حدس و گمان به واقعیتی محکم نرسیده‌اند مهم این است که این دعوت پنهان منجر به تحقق اجرای طرح عملیاتی ربایش افشار طوس گردید.

پس از مفقود شدن افشار طوس در بررسی اسناد میزکار او توسط وزیر کشور (صدیقی) گزارشی به خط وی در خصوص عوامل مرتبط با شاه، زاهدی و دربار در شهربانی و دریافت مستمری توسط آن‌ها بدست آمد و محرز گردید شهربانی از وجود عناصر ارشد مورد اعتماد برخوردار نیست فقط سرهنگ نادری توسط افشار طوس جهت تصدی مسئولیت «آگاهی» نشان شده بود، در نتیجه هم او جهت پیگیری پرونده توسط صدیقی و مصدق انتخاب شد (ترکمان، ۱۳۶۳: ۹) و سرهنگ حسینقلی سررشته نیز از رکن دو با اختیارات کامل قضایی و اجرایی در کنار او قرار گرفت (بدیعی، ۱۳۸۲: ۲۴۷) و (سررشته، ۱۳۶۷: ۳۰-۳۱) این دو در اولین روز پیگیری پرونده با تمرکز بازجویی از آشپز منزل خطیبی سرنخ‌های قابل توجهی از شبکه افسران در این عملیات ربایش و اختفاء بدست آوردند. (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۳)

چگونگی به حاشیه راندن این پرونده مهم



پس از کشف جسد افشار طوس و اهمیاتی که جهت کشف شبکه عوامل اجرایی قتل بعمل آمد و بخصوص با اطلاعیه‌های مستند صادر شده توسط فرمانداری نظامی و حتی پخش نوار اعترافات متهمین از رادیو که در نوع خود تا آن زمان از لحاظ اطلاع رسانی بی سابقه بود و مستندات غیر قابل تردید در اینکه اهداف اطلاعاتی سیاسی بزرگی در پی اجرای این قتل در دستور کار بوده است و ابتدایی‌ترین پیام روشن آن به آمریکائی‌ها برای ضعیف معرفی کردن مصدق (علم، ۱۳۹۳: ۴۶۵-۴۶۷) بر همگان روشن گردید که توطئه بزرگی کشف و خنثی شده است و در حالیکه این مهم می‌توانست به تقویت نیروهای ملی و بسیج آن‌ها در مقابل استعمار و استبداد و شبکه‌های مخفی آن‌ها منجر گردد، وقایعی رخ داد و کارگزارانی فعال شدند تا نه تنها این مهم محقق نشود؛ بلکه این پرونده به کارآترین حربه برای جدایی قطعی نیروهای نهضت ملی و بیزاری مصدق و آیت الله کاشانی از یکدیگر و چنگ و دندان نشان دادن خواص به هم و سکوت و بی تفاوتی عوام در مقابل کودتای گروه‌های اندک بدنامان و اوباش گردید!!

نطق‌های جهت دار سیاسی در مجلس با هدف ایجاد تشکیک در روند این پرونده سیاسی - جنایی با تغییر مسئولین اجرایی آن تکمیل گردید و با اعمال فشار تیمسار حسین آزموده دو نفر به نام پرویز قانع (بازپرس) و سرگرد موسی رحیمی لاریجانی (دادیار ناظر) مسئولیت این پرونده را بعهده گرفتند خاطر نشان می‌سازد حسین آزموده پس از کودتا به سمت دادستان ارتش شاهنشاهی منصوب شد و عامل اصلی به شهادت رساندن دکتر حسین فاطمی و سیدمجتبی نواب صفوی و دیگر اعضاء شاخص فدائیان اسلام بود و به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی به خارج گریخت. این دو نفر این پرونده را از مسیر پیگیری خارج کرده و به انحراف کشاندند. این‌ها با تعلق در روند پیگیری، مجلس با جلوگیری از سلب مصونیت دکتر بقایی به بهانه اعمال شکنجه نسبت به دستگیرشدگان و مصدق با کوتاهی در پیگیری جدی از ترس افکار عمومی، جملگی شرایطی را پدید آوردند که رسیدگی به این پرونده تا تحقق کودتای ۲۸ مرداد عملاً متوقف شد و متعاقباً همه عوامل اجرایی آن آزاد شدند (محمدآقا و صدیقی، ۱۳۶۵: ۶۷-۶۹)

اقدامات سیاسی خنثی کننده این پرونده

مصدق به سمت محدودتر کردن اختیارات شاه حرکت می‌کرد و در صدد برکناری علاء از وزارت دربار بود. لایحه اختیارات نیز در دستور کار مجلس قرار داشت. بازپرس نظامی در ۱۳ اردیبهشت سرلشکر زاهدی را طی اطلاعیه - ای احضار کرد و درخواست سلب مصونیت دکتر مظفر بقایی توسط وزیر دادگستری از نمایندگی مجلس در ۲۴



اردیبهشت تقدیم ریاست مجلس شد. (متینی، ۱۳۸۴: ۳۴۶-۳۴۷) همزمان جوسازی‌ها آغاز شد. زاهدی به‌مراه مصطفی کاشانی شمس قنات آبادی و بقایی در مجلس متحصن شدند و علی زهری که از نزدیک‌ترین دوستان بقایی بود دولت مصدق را به اتهام شکنجه و آزار متهمان قتل افشار طوس استیضاح نمود. (همان: ۳۵۰) و سرلشکر زاهدی نیز با درخواست پناهندگی از مجلس فشار مضاعفی وارد نمود. (فاتح، بی تا: ۹۵۴-۹۵۵) وی بر آیت الله کاشانی، شمس قنات آبادی، بقایی، مکی و حائری زاده سه نماینده پر سرو صدای مجلس تاثیرگذار بود و بر پایه گزارش وابسته نظامی انگلیس، زاهدی در جریان تشکیل کابینه سایه‌اش به آقای کاشانی قول داده که در دولت او نظر ایشان لحاظ خواهد شد بعد ها مشخص گردید ارنست پرون با حرارت خاصی از زیرکی شاه در موفقیت او در جداسازی کاشانی و مکی و بقایی از دکتر مصدق اظهاراتی داشته است (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۲۰۷) در حقیقت جداسازی و ایجاد بدبینی بین مصدق و آیت الله کاشانی پروژه‌ای جامع و همه جانبه بود.

افکار عمومی می‌دانست که مطرح شدن شکنجه توسط علی زهری در مجلس با هدف زیر سؤال بردن اعترافات دستگیر شدگان متهم به قتل افشار طوس است. (مدنی، ۱۳۶۱، ۱ / ۲۷۸) زیرا در شرایطی که انگشت اتهام متوجه مظفر بقایی بود، زهری با هدف انحراف افکار عمومی دولت را به اتهام شکنجه استیضاح نمود. (مهدوی، ۲، ۱۳۹۲ /: ۲۳۷-۲۴۲) مظفر بقایی با مدیریت جنجال‌ها و زد و خوردهایی در مجلس دنبال این بود تا طرح سلب مصونیت سیاسی او تصویب نشود و از ارائه گزارش ۸ نفره در مورد لایحه اختیارات جلوگیری می‌کرد و میراشرفی، جمال امامی، علی زهری و قنات آبادی با او همراهی و همکاری داشتند. (نجاتی، ۱۳۶۴: ۲۶۲-۲۶۴) و این در شرایطی بود که آگاهان سیاسی در نقش بقایی در قتل افشارطوس تردیدی نداشتند تا جایی که کریم سنجابی رسماً اعلام نمود اگر بقایی بتواند ثابت کند متهمین شکنجه شده‌اند شخصاً دفاع از او را بعهده خواهد گرفت. (سنجابی، ۱۳۶۸: ۱۳۲) زیرا سنجابی معتقد بود بقایی مسلماً در جریان قتل افشار طوس با همدستی گروهی از افسران بازنشسته بوده است. (سیف زاده، ۱۳۷۱: ۱۵-۲۳)، فضا سازی‌های همه جانبه تیم بقایی نگذاشت افکار عمومی و حتی نمایندگان که خواص جامعه محسوب می‌شدند، در فضای غبار آلود و جنجالی درک و تحلیلی واقعی از حوادث بیابند در همین شرایط مکاتبه زاهدی با آیت الله کاشانی که در نهایت مظلوم‌نمایی صورت گرفته بود منجر به حمایت ایشان از وی گردید و طی پاسخی که در نشریه «باختر امروز» نیز چاپ گردید به بازرسی مجلس دستور داد از سرلشگر زاهدی پذیرایی شود. (ترکمان، ۱۳۶۳: ۲۱۰-۲۱۱) و عصر همان روز نیز به همراه تعدادی از نمایندگان به دیدن سرلشگر زاهدی رفت (نجاتی، ۱۳۷۶: ۵۵۶/۲) متأسفانه یارگیری‌های غیرمتجانس و بیشتر



احساسی ادامه یافت و آیت الله کاشانی در ۳۱ اردیبهشت طی مصاحبه با روزنامه کیهان حمایت کامل خود از بقایی را اعلام کرد. (همان: ۵۵۷) و نمایشنامه‌های از قبل طراحی شده در مجلس با سخنرانی‌های زهری و قنات آبادی در محکوم کردن دولت به شکنجه دستگیرشدگان ادامه یافت (همان: ۵۶۸-۵۷۵)

خاطراتی از دکتر شایانفر دادستان فرمانداری نظامی تهران (ر.ک ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۳۹-۱۴۵) در خصوص شیوه به انحراف کشاندن پرونده از مسیر پیگیری صحیح قضایی نقل شده که حائز اهمیت است، پس از ورود عوامل مورد نظر حسین آزموده به پرونده انواع تعلل، بهانه جویی و حتی تمارض صورت می‌گیرد و حتی پیگیری و دستور مستقیم مصدق در دو جلسه حضوری با این دو کارشناس جدید قضایی نیز نتیجه نمی‌بخشد و مصدق مجبور می‌شود با درخواست اعزام به خارج ایشان جهت ادامه تحصیلات هم موافقت کند!! این دو با تعلل سناریوهای جنجالی به منظور متهم کردن مصدق به دخالت در پرونده با کمک بعضی خبرنگاران قلم به مزد را نیز به جریان انداختند و معطلی و عدم ارجاع پرونده به دادگاه آتقدر ادامه یافت تا کودتا انجام شد و پس از آن جای متهم و دادرس عوض شد و متهمین به قتل با استفاده از فضای مدیریت شده در دادگاه نظامی از اتهام قتل تبرئه شده و دولت مصدق عامل قتل افشارطوس معرفی شد، مهندسی اداره دادگاه‌های جدید و تبلیغات آن برعهده حسین خطیبی بود و باز در منزل او مسئولین قضایی و اجرایی حضور یافته و اوامر اجرایی را از زبان او شنیدند (ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۸۹-۱۹۵) خبر تشکیل دادگاه نمایشی در روزنامه کیهان شنبه ۳۰ آبان ۱۳۳۲ نیز به چاپ رسید و اندکی بعد دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۳۲، حکم برائت مجرمین را صادر نمود. (همان: ۲۱۴)

کشف رمزهایی از قتل افشار طوس و نقش آن در به فرجام رسیدن کودتای ۲۸ مرداد

حسین خطیبی از دوستان نزدیک بقایی و مرتبط با محمدرضا پهلوی و اردشیر زاهدی و با بهره‌گیری از ارتباط با عناصر برجسته اطلاعاتی ارتش پهلوی شامل حسن ارفع، حسن اخوی، حبیب الله دیهیمی از سویی قدرت نفوذ خود در حزب توده را حفظ (آبادیان، ۱۳۷۷: ۲۲) و از سویی دیگر امکان بکارگیری شبکه نیروهای مخفی خود از طریق مظفر بقایی در نیروهای طرفدار نهضت ملی را حفظ و توسعه داده بود. ایجاد حساسیت در مصدق در خصوص اجرای ترور وی توسط فدائیان اسلام در نقل از شاه به وی در حالیکه منبع اصلی هشدار دهنده دیهیمی بود (همان: ۲۲) از جمله دلایل متعددی بود که توانست مصدق را نسبت به فدائیان و حتی آیت الله کاشانی بدبین نماید. بقایی با کمک حسین خطیبی و پاکروان که بعداً به درجه تیمساری رسید برای شاه جا انداخته بودند که



سازمان مخفی آن‌ها امکان حثی سازی اقدامات افسران طرفدار مصدق در ارتش را دارند (همان: ۲۳) و مجموعه این فضا سازی ها در همراه معرفی کردن مصدق با توده‌ای‌ها در اذهان مؤثر واقع گردید.

حسین خطیبی با نقش محوری که در اجرای قتل افشار طوس داشت، در سوم اردیبهشت ۱۳۳۲ توسط مأمورین فرمانداری نظامی دولت مصدق دستگیر گردید و در حالیکه در زندان بسر می‌برد بطور منظم با بقایای مکاتبه داشت این در حالی بود که حسن پاکروان دوست مشترک او با بقایای رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود و با بهره مندی از حمایت‌های او مبادرت به این مکاتبات می‌نمود (همان: ۲۴) خطیبی در این مکاتبات خط جنجال و مدیریت افکار عمومی را با توجه به جمیع جهات به بقایای و زهری منتقل می‌نمود و با متهم کردن دولت مصدق به شکنجه و تحت فشار قرار دادن دستگیر شدگان اعترافات آن‌ها را بی ارزش قلمداد می‌نمود. بدینوسیله کارزار گسترده تبلیغاتی در مجلس و مطبوعات به سود آن‌ها جریان یافت.

در خط دهی صورت گرفته در نامه‌های خطیبی به بقایای طرح توطئه موهوم کودتای مصدق علیه آیت الله کاشانی، مکی و بقایای آیت الله کاشانی القاء شد و تعارضات فیما بین به رویارویی محتوم سوق یافت در این نامه‌ها خطیبی حتی طرح استیضاح دولت مصدق و مفاد آن را به بقایای دیکته کرد. (همان: ۲۴) وی در پیام مکتوب به جوسازی در نطق‌های مجلس علیه مصدق و اثر گذاری آن‌ها از طریق القاء شکنجه متهمین و همدستی عوامل قضایی با مصدق برای انجام کودتا و بی اعتباری اعترافات دستگیرشدگان اشارات موثری دارد تا حدی که حتی نحوه بیان جملات تاثیرگذار را به زهری توجیه می‌نماید، وی پیام‌های گله آمیزی به شاه و علم با اسامی رمز «ارباب قلبی» و «قلبی» ارسال نمود تا ترتیب استخلاص آن‌ها را بدهند. از اثر بخشی این پیام‌های به بیرون از زندان می‌توان تا حدی به توان تصمیم سازی حامیان آشکار و پنهان شبکه کودتاگران پی برد زیرا توانستند با انواع دسیسه‌ها مهم‌ترین پرونده جنایی، سیاسی دوران را از تیررس افکار عمومی کنار بگذارند.

اطلاعات تکمیلی از تعامل مظفر بقایای با شبکه مخفی در ربایش و قتل افشار طوس

مسئولیت اجرای طرح ربایش افشار طوس بعهدہ بقایای و یار نزدیکش حسین خطیبی قرار گرفت (محمد آقا و صدیقی، ۱۳۶۵: ۶۳) آن‌ها مطلع بودند که افشار طوس در پی رفع تشنج‌های سیاسی در جامعه و کمک به تقویت نهضت ملی است، بقایای و خطیبی متعهد شدند افشار طوس را دست بسته تحویل تیم افسران شبکه مخفی خود بدهند. در جلسه گردهمایی مجریان طرح در منزل خطیبی بقایای دستور قتل افشار طوس را صادر کرد. اعده ای بر این باور بودند که، بعد از واقعه ۹ اسفند شاه و همفکرانش طرح جامعی برای ربایش مسئولین اصلی دولت مصدق

رادر دستور کار داشته تا با مفقودیت این رجال مؤثر و مهم، با سؤال و پیگیری قاطع شاه از مجلس در این خصوص، طرح عدم کفایت و برکناری مصدق به فوریت در مجلس به اجرا در آید و سرلشگر زاهدی بعنوان نخست وزیر جدید معرفی شود (سررشته، ۱۳۶۷: ۳۷) در راستای اجرای این طرح و پس از دستگیری و شکنجه افشار طوس مجریان طرح تلاش داشتند با فشار بر وی و ارسال پیام طعمه‌های بعدی را به سر قرار بیاورند که افشار طوس همکاری نکرد و بالاخره توسط بلوچ قرایی و همدستانش با طناب خفه شد. (محمد آقا و صدیقی، ۱۳۶۵: ۶۷) محوریت بقایی در شکل‌گیری توطئه‌های همزمان قطعی است زیرا از یک سو محور شبکه همکاران او در ارکان اطلاعاتی ارتش و عوامل دربار و شاه در بسیاری از حوادث مهم چون تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰ علیه ورود هیئت هریمن به تهران، مقابله و خشونت نسبت به توده ای‌ها و درگیری‌های خیابانی فعال بودند و از سوی دیگر بیشترین نقش را در تشدید اختلافات بین آیت الله کاشانی و مصدق داشت که بیشترین اثر آن را در انحلال مجلس هفدهم و تحقق سریع کودتای ۲۸ مرداد شاهد بودیم (شهبازی، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۷؛ سیف زاده، ۱۳۷۳: ۱۹۲)

بقایی که در جریان ۳۰ تیر شعار مباح بودن خون ارتشیان را سر داده بود برای یارگیری از بدنام‌ترین افسران در جلسات حزبی از آن‌ها تقدیر نمود و بدین ترتیب از ایشان در اجرای توطئه قتل افشار طوس بهره برداری نمود. (محمد آقا و محمد صدیقی، ۱۳۶۵: ۵۹-۶۰)، نقطه اتکای بقایی در بکارگیری توأمان شبکه‌های سیاسی و نظامی «حسین خطیبی» بود که با تمرکز حساسیت‌ها روی او، در بازرسی از منزلش و مروری بر دفتر تلفن او شماره تلفن افراد زیر در اولین روز پیگیری بدست آمد.

- سیاسیون: دکتر مظفر بقایی، علی زهری، میراشرافی، شمس قنات آبادی، نادعلی کریمی، پورسرتیپ
- از دربار: قره گزلو، اشرف پهلوی، سرهنگ نصیری، ضرغام، ایزدی، شکوه
- از ارتشیان: سپهد حجازی، سر لشکر مجیدی، سرلشگر شفقت، سرتیپ آیرم، سرتیپ مزینی، سرتیپ منزه و سرگرد بلوچ قرایی (سیف زاده، ۱۳۶۳: ۱۶۱)

تیم همکاران بقایی

سرگرد بلوچ قرایی: یکی از عوامل اصلی قتل، افسر ژاندارمری که در سالهای خدمت در کاشمر بعنوان مسئول ژاندارمری تیم‌هایی از راهزنان و جنایتکاران زیر نظر او به چپاول و غارت مسافرین راه‌ها می‌پرداختند و دولت مرکزی هم علیرغم اطلاع توان برخورد با او را نداشت (مصور رحمانی، ۱۳۶۷: ۳۹۰)





مرتضی کاشانی: از نزدیک‌ترین یاران گرمابه و گلستان مظفربقایی که در تمامی تحریکات خونین شهری نقش محوری داشته در به خاک و خون کشاندن دزفول و سایر لشکرکشی‌های خیابانی در تهران تا آنجا در مظان اتهام بود که پس از قتل افشار طوس نیز مدتی دستگیر شد (مهرجو، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۶)

شعبان جعفری: با اینکه پس از واقعه ۹ اسفند دستگیر و در زندان بود اطلاع و ارتباط کاملی از عوامل اجرایی قتل افشارطوس داشت، هرچند در بازجویی توسط سرهنگ نادری حاضر به افشاگری نشد اما بعداً در کتاب خاطرات خود از تعامل حسین خطیبی، تیمسار بایندر منز و مزینی با کمک فردی به نام امیر رستمی در ربایش و انتقال پیکر بیهوش افشارطوس به خارج از تهران مطالبی بیان نمود (سرشار، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۴) و از سابقه تعامل همین افسران در اجرای توطئه ۹ اسفند مستندات نقل کرد (همان: ۱۲۴)

تقابل رهبران نهضت و درگیری طرفداران آن‌ها

۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۲ (پس از قتل افشار طوس) و ایجاد زمینه تحریک و تعارض طرفین نسبت به هم به ایستگاه CIA در تهران اجازه داده شد هفته ای یک میلیون ریال برای تطمیع نمایندگان مجلس و جلب همکاری آن‌ها هزینه شود و در پیامد این اقدام مجلس هفدهم پر تنش‌ترین روزها و دوران موجودیت خود را شکل داد، از ۷ خرداد مشاجره و زد و خورد میان نمایندگان اوج گرفت (بدیعی، ۱۳۸۲: ۱۳۲)

بررسی اسناد موجود در پرونده بقایی در ساواک (در این مقطع زمانی)

۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۲: پس از طرح تعقیب بقایی افراد حزب زحمتکشان تهدید کردند همه خیابان‌های شاه

آباد، لاله زار، اسلامبول را غارت و به آتش می‌کشند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲: ۱۰۸)

۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۲: بقایی تماس‌های زیادی با طرفداران کاشانی و افراد مؤثر فدائیان گرفته تا وزیر

دادگستری، لطفی را ترور کنند (همان: ۱۰۹)

۲ خرداد ۱۳۳۲: افرادی از حزب زحمتکشان از شهرهای مختلف به تهران آمدند تا کانون حزب نیروی

سوم (جناح خلیل ملکی) را آتش بزنند (همان: ۱۱۰)

۶ خرداد ۱۳۳۲: به دستور بقایی از تمام شعبات حزبی طوماری در حمایت از او تهیه و به تهران آوردند

(همان: ۱۱۲)

۱۶ خرداد ۱۳۳۲: گزارش در خصوص تشکیل کمیته ترور توسط طرفداران بقایی به منظور ترور افراد مؤثر



دولت مصدق در صورت دستگیری وی (۷ همان: ۱۱۹)

۱۸ و ۱۹ خرداد ۱۳۳۲: شکایت به نخست وزیر از جانب مسئولین و مردم دزفول در خصوص آتش آفریزی حزب زحمتکشان در آن شهر (همان: ۱۲۰-۱۲۴)

۲۱ خرداد ۱۳۳۲: گزارش از وعظ و خطابه در منزل آقای کاشانی با حضور بقایی و حمایت از وی در قضیه افشار طوس و تهدید به استفاده از امثال خلیل طهماسبی ها در ترور مخالفین (همان: ۱۲۷-۱۲۸)

۲۶ خرداد ۱۳۳۲: طی توافق میان فدائیان و مجمع مجاهدین اسلام و حزب زحمتکشان اعضاء مجموعه ها مسلح به چاقو مأمور نگهداری و حفاظت از محل حزب زحمتکشان شدند و تعدادی از این ها نیز به اختفاء چاقو در زیر لباس و با ورود به مجلس بعنوان تماشاچی در آن مکان حضور یافتند. (همان: ۱۳۲)

۲۱ تیر ۱۳۳۲: گزارش در مورد هدایت و خط دهی نیروهای متعصب فدائیان و مسلمانان مجاهد و موافقین آقای کاشانی توسط بقایی به ترور افراد (همان: ۱۳۵)

گزارش در خصوص اطلاعیه های تهدید کننده به عنوان کمینه سری مرگ توسط مرتبطین بقایی (همان: ۱۳۵)

۲۳ تیر ۱۳۳۲: بقایی در سخنرانی در حزب رسماً گفت هدف ما تقویت رژیم مشروطه سلطنتی و مقام سلطنت است و رهبری این امر نیز به عهده آقای کاشانی است (همان: ۱۳۷)

تا کودتا: بقایی عامل محوری اجرای قتل

در جلسه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۲، در مجلس پس از ایجاد جنجال توسط او و قنات آبادی جلسه متشنج شد و شعارهای مرگ بر بقایی، مرگ بر قاتلین افشار طوس، باعث تعطیلی موقت مجلس شد در جلسه پنجم خرداد نیز میراشرافی و متعاقباً مظفر بقایی مسئله انجام کودتای مصدق علیه سلطنت و تغییر رژیم و همدستی با توده ای ها را مطرح کردند (رهنما، ۱۳۸۴: ۹۰۱) این فضا سازی ها به مطبوعات موافق و مخالف هم کشیده شد، روزنامه شهپاز در ۷ مرداد ۱۳۳۲ با عنایت به نقش مرموز افرادی چون زهری، قنات آبادی و مظفر بقایی آن ها را ضد حرکت های مردمی معرفی و اعلام نمود فرمان انحلال مجلس هفدهم را ملت ایران صادر کرده است (همان: ۳۲۱-۳۲۴) و در گزارشات و تحلیل های روزنامه های طرفدار دولت از ارتباط سفارت های آمریکا و انگلیس جهت اجرای کودتا علیه



دولت ملی با افرادی چون زاهدی، بقایی، فرامرزی نماینده مجلس، برادران رشیدیان و عده ای از امرای ارتش در تعامل با میدلتن کاردار سفارت انگلیس مطالبی انتشار یافت (رهنما، ۱۳۸۴: ۶۹۶) و بقایی نیز پس از مفقود شدن افشار طوس در روزنامه خود طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به مصدق اعلام حمایت کامل از خطیبی نمود و منزل او را منزل دوم خود عنوان کرد و به مصدق خطاب کرد: «رئیس شهربانی تو به منزل خطیبی پناهنده شده بود و تو باید شرمسار باشی که رئیس شهربانی را در منزل خطیبی ربودند و بردند»، بدینوسیله سناریوی ربایش افشار طوس توسط دولت مصدق عنوان گردید و صورت مسئله تغییر یافت! (مهرجو، ۱۳۹۰: ۱۵۳) در همین راستا در نشریه مجمع مسلمانان مجاهد از سرلشگر زاهدی بعنوان جانشین مناسب مصدق نام برده شد و مصدق را که با پیژامه از پشت بام منزلش فرار کرده بود به سخره گرفتند. (رهنما، ۱۳۸۴: ۸۹۶) و در ادامه روزنامه دمکرات مسلمان ارگان حامی آقای کاشانی صریحاً نوشت: «سرنگون باد حکومت چنگیزی مصدق السلطنه خائن» و خواستار محاکمه این «صدراعظم خود سر» شد و در طرف مقابل نیز حسینی در میتینگ سالروز ۳۰ تیر با دفاع کامل از دولت ملی طی قطعنامه ای خواستار تعقیب و مجازات عاملین و مسببین قتل افشار طوس شد. (همان: ۹۳۷) تحریکات نشریات ادامه داشت و روزنامه شلاق متمایل به بقایی و اقلیت در ۶ مرداد طی مقاله ای به شدت تحریک آمیز علیه دولت مصدق و در طرفداری کامل از دکتر بقایی او را فرزند برومند ملت خطاب و اعلام نمود سرنوشت شوم تر از هژیر و رزم آرا در انتظار دکتر مصدق است. (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۲۳)

به موازات فضا سازی های مطبوعاتی، اقدامات مرعوب کننده بقایی ابعادی جدیدتر یافت و پس از تلاش علی زهری برای جلوگیری از سلب مصونیت بقایی و پیشنهاد استیضاح دولت، اعلامیه‌هایی در خصوص فعال شدن کمیته مجازات جمعیت بینوایان و کمیته سری مرگ حزب زحمتکشان با هدفگیری قتل مصدق و حامیانش منتشر گردید (آبادیان، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۶۹) قبلاً نیز بقایی خبر از ایجاد کمیته‌های مجازات توسط حزب زحمتکشان داده بود (رهنما، ۱۳۸۴: ۴۴۳) مصدق هم که نجات از این معرکه را در انحلال مجلس می‌دانست از وقایع غیر قابل مهار پس از آن تحلیلی نداشت و بعد از انحلال مجلس در روزنامه شاهد (۵ مرداد ۱۳۳۲) اعلام شد اقلیت جلسات خود را هفته ای دو روز در مجلس و یک روز در منزل آیت الله کاشانی برگزار خواهند کرد و حائری زاده اعلام کرد در صورتیکه اقدامی از طرف دولت علیه مشروطیت انجام گیرد به وظیفه خود عمل خواهیم کرد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۶) و مجلسی جدید در منزل آیت الله کاشانی متشکل از نمایندگان مخالف پدید آمد اقدامات خشن بقایی رو به توسعه بود و وی طی جلساتی که با فدائیان داشت صراحتاً درخواست ترور فاطمی، معظمی و لطفی را



نمود بخصوص که با اعتراف دستگیر شدگان قتل افشار طوس بشدت احساس خطر کرده بود حتی قول تأمین سلاح برای ترورها را هم داد. فدائیان می‌خواستند آقای کاشانی نظر بدهد که او هم حاضر به تأیید نشد، (رهنما، ۱۳۸۴: ۴۳۵-۴۴۲) مجموعه حوادث نقل شده از آن مقطع تاریخی تردیدی در نقش تعیین کننده بقایی در اجرای عملیات مهندسی شده علیه نهضت ملی از آغاز عملیات ربایش و قتل افشار طوس تا تحقق کودتا باقی نمی‌گذارد که دامنه این تحریکات به رسانه‌ها، تجمعات مردمی و حتی مراسم منعقد در بیت آیت الله کاشانی نیز کشانده شده بود.

تحریکات در آستانه برگزاری رفراندوم جدید برای دوره هفدهم مجلس

باکمترشدن موضوع قتل افشارطوس در افکار عمومی، مسائل دیگری چون انحلال مجلس هفدهم جلوه و اهمیت بیشتری یافت و نشریات آن دوران نیز از تمام ظرفیت‌های بحران سازی خود استفاده نمودند: هفته نامه صبح وصال در ۱۰ مرداد ۱۳۳۲ در حمایت از بقایی نوشت: «ای مصدق بدان که سرنوشت ائتلاف کنندگان با حزب توده بهتر از رزم آرا نخواهد بود». کار به موضعگیری علنی آیت الله کاشانی کشیده شد و ایشان در نامه ای که توسط منسوبینش در اختیار نشریات قرار گرفت در روز ۱۰ مرداد شرکت در انتخابات مجلس را برخلاف قانون اساسی و مصلحت ملت و مملکت عنوان نمود، این اقدام در پاسخ به تأیید و جوب شرکت در انتخابات توسط یکی از علمای مشهد به نام کلباسی صادر شد، سازمان‌های آموزش دیده اطلاعاتی نیز به مأموریت‌های پنهان خود اهتمام داشتند بعنوان مثال، ارسال بیانیه‌هایی با امضاء هواداران حزب توده به علما و بخصوص آیت الله بروجردی و تهدید آن‌ها به اعدام پس از تسلط کامل حزب توده بر امورات کشور، حمله به منزل آیت الله کاشانی به نام هواداران مصدق و ضرب و شتم افراد حاضر در آنجا را می‌توان از آن دست نامید. (شهبازی، ۱۳۸۷: ۳۲۲-۳۲۳)

شکل گیری مجلس در منزل آیت الله کاشانی

پس از انحلال مجلس هفدهم از هشتم تا یازدهم مرداد ماه ۱۳۳۲ شب‌ها در منزل آیت الله کاشانی جلسات وعظ و سخنرانی با حضور اقلیت در مخالفت با انحلال مجلس برگزار شد شبهای اول و دوم عده ای به بهانه طرفداری از دولت سخنرانی‌های داخل منزل را با مشکل مواجه کردند. شب سوم جلسه بدون مشکلی برگزار شد ولی در شب چهارم (شب یازدهم مرداد ماه) حمله شدیدی به این مجلس توسط عوامل به ظاهر طرفدار دولت انجام شد که تعدادی مجروح و یک نفر نیز به قتل رسید (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۷) از عوامل ایجاد درگیری شب چهارم را می‌توان مقاله روزنامه آتش در ۱۰ مرداد دانست که نوشته بود: «دیشب جلسه منزل آقای کاشانی در آرامش برگزار



شد چون چاقو کشان و عرق خورهای طرفدار دولت دیشب به خوشگذرانی مشغول بودند و فرصت نداشتند ایجاد مزاحمت کنند».

بحث بر سر صاحب شدن مقتول جلسه حمله به منزل آقای کاشانی بالا گرفت از سویی طرفداران دولت او را (محمد حدادزاده) طرفدار و حامی دولت معرفی کردند که در حال شعار دادن به نفع مصدق مورد حمله با چاقو قرار گرفته است و در طرف مقابل نیز مظفربقایی در روزنامه شاهد او را شهید حداد زاده معرفی کرد که سال‌ها با مجاهدین اسلام همکاری داشته است. جناحین با ادعاهای مختلف خود را صاحب این جسد بیجان معرفی نمودند، در حالیکه در روزنامه‌ها از سابقه دستگیری او به اتهام تلاش برای قتل میراشرافی مدیر وقت روزنامه آتش که از مخالفین مصدق بود، مطالبی درج شد. بهر تقدیر حمله به منزل آیت الله کاشانی یکی از تأثیرگذارترین وقایع در تشدید مواضع ایشان نسبت به دولت گردید. (همان: ۹۱-۱۱۱)

مرتضی کاشانی عامل وفادار و محافظ ویژه مظفر بقایی در خاطرات خود از نقش مرموزی که با هدایت بقایی برای فریب آیت الله کاشانی داشته پرده بر می‌دارد که طوری عمل کرد تا آقای کاشانی باور کند افشار طوس دارای روابط پنهان با بقایی بوده و مصدق پس از اطلاع از این روابط او را به قتل رسانده و قتل را به گردن بقایی انداخته است، در همین راستا با هدایت بقایی مرتضی کاشانی جهت انتقال اخبار فریب به سمت سرهنگ نادری مسئول پیگیری پرونده قتل افشار طوس رفته و با انعکاس اخبار تحریک کننده و هدایت شده ای توسط سرهنگ نادری به ملاقات دکتر مصدق برده می‌شود که مصدق او را ترغیب به ادامه همکاری اطلاعاتی با سرهنگ نادری می‌نماید، در اواخر این دوره همکاری فریبکارانه (نزدیکی کودتا) مرتضی کاشانی مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال نیز دستمزد برای همکاری دریافت می‌کند که خود ادعا می‌کند صرف هزینه‌های حزبی و بعضی خانواده‌های دستگیر شده حزب زحمتکشان نموده است! (مهرجو، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۹)، شکی باقی نیست بسیاری از نمایندگان مجلس در این ایام از حقوق بگیران سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا بودند. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۶-۲۳۷) به موازات این تحریکات جدایی آفرین تیم کودتا با فراغ بال در پی تعقیب مأموریت‌های خود بود، زاهدی پس از اجرای ناموفق کودتا در ۲۵ مرداد، از مجلس خارج و در منزل یک دیپلمات آمریکایی پنهان شده بود و با نظامیان و عوامل مرتبط با کودتا که دستگیر شده بودند و در بازداشتگاهی در کنار مظفر بقایی و شعبان جعفری نگهداری می‌شدند که سطح مراقبتی پایینی داشت مرتبط بود و با آن‌ها تبادل پیام می‌نمود (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۲۴۴) و متأسفانه مصدق نیز بی توجه به این فعل و انفعالات و در شرایطی که از شناخت و تحلیل واقعی عناصر پیرامونی خود ناتوان بود به ناظری بی اثر



تبدیل شد و علیرغم اینکه مأموران تحقیق از رکن ۲ ارتش، چهره‌های فعالی از کودتاگران را شناسایی کرده بودند و نتیج را به او اطلاع دادند، او توجه لازم به این تذکرات را نداشت، منجمله «سرهنگ اخوی» که دوست قدیمی تیمسار ریاحی بود، برای رهایی خود از اتهام به تهدید به خودکشی و تمارض روانی متوسل شد و یا «سرتیپ دفتری» خواهرزاده دکتر مصدق که با گریه و التماس نزد دایی خود قسم خورد که به او خیانت نمی‌کند و ... بدین ترتیب ساده اندیشی مصدق و عدم توجه او به اینگونه موارد باعث شد تا شبکه کودتاگران حتی به راحتی با همدستان خود مثل بقایی و شعبان جعفری در زندان ادامه ارتباط داشته باشند. (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۵۷)

سه روز حساس ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در ترجمه اسناد محرمانه CIA در خصوص کودتای ۲۸ مرداد، از مظفر بقایی به عنوان یکی از عوامل اجرایی در شکل گیری کودتا نام برده شده و به دستورالعمل‌های صادره از ناحیه ستاد کودتا در سفارت آمریکا اشاراتی نموده است:

۱. مصاحبه جعلی توسط جلالی عامل ایستگاه CIA در تهران با سرلشگر زاهدی به عنوان نخست وزیر قانونی و پخش آن در میان شبکه همکاران مطبوعاتی
 ۲. انتشار این مصاحبه جعلی در روزنامه شاهد مظفر بقایی و به ترتیب در بقیه روزنامه‌های همکار با سازمان اطلاعاتی آمریکا چون: ستاره اسلام، آسیای جوان، آرام، مرد آسیا، ملت ما، ژورنال دو تهران و روزنامه داد.
 ۳. دستور به خنثی سازی مصاحبه قاطع دکتر فاطمی در ساعت ۱۳:۳۰ همان روز در اعلام خبر فرار شاه به عراق و خواندن نامه تحقیرآمیز کفیل دستگیر شده دربار
 ۴. هماهنگی های نظامی اطلاعاتی در مقر سفارت آمریکا توسط کریمت روزولت و هندرسون که همان روز وارد تهران شده بودند، انجام و پیام‌هایی به فرماندهان نظامی در کرمانشاه (تیمور بختیار)، اصفهان (تیمسار ضرغام) جهت هماهنگی های عملیاتی تبادل گردید
 ۵. از روحانی درباری «بهبهانی» جهت عزیمت به قم و زمینه سازی نزد آیت الله بروجردی جهت حمایت از شاه استفاده شد
 ۶. گردهمایی طرفداران شاه در تهران و نقاط مرکزی شهر و انجام تظاهرات به نفع شاه به جدیت دنبال گردید.
- (احمدی، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۷)



با ابلاغ این دستورالعمل تلاش هماهنگ و مرتبطی در مبادی مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی و تبلیغاتی شکل گرفته و به اجرا درآمد:

در روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ روزنامه شاهد (بقایی) فرمان نصب زاهدی توسط شاه به عنوان نخست وزیر را چاپ کرد و این حکایت از اطلاع کامل مرتبطين حزبی بقایی از روند رو به تکمیل اقدامات کودتا داشت. این اقدام مقدمه ای شد تا روز بعد (۲۸ مرداد) روزنامه‌هایی چون ستاره اسلام، جوانان آسیا، آرام، مردم آسیا، ملت، تهران ژورنال نیز مبادرت به چاپ و انتشار این فرمان و انتشار مصاحبه جعلی با سرلشگر زاهدی نمودند (پتريک، ۱۳۵۹: ۷۷). این اقدام توسط روزنامه عمیدی نوری نیز تکرار شد در همه این اقدامات محور مصاحبه ساختگی توسط جلیلی و کیوانی عوامل مرتبط با "سیا" مورد استناد قرار گرفت که در آن از ارتش به دفاع از شاه و مقابله با کمونیست‌ها استمداد شده بود. (رهنما، ۱۳۸۴: ۹۵۰)

در بکارگیری شبکه اراذل و زنان بدنام از مرتبطين شبکه افسران بقایی، شاه بختی، اردشیر زاهدی مهدی عسکر و خواهران او، شعبان جعفری و عواملش که محل تجمع آن‌ها در زورخانه ای در خیابان سیروس بود، مهدی پیراسته و میراشرفی استفاده کامل شد.. (مهرجو، ۱۳۹۰: ۱۶۷) لازم به توضیح است صبح روز ۲۸ مرداد شعبان جعفری، احمد عشقی و امیر بوربور، به‌همراه سایر زندانیان توسط شبکه چماقداران "برادران رشیدیان" مانند بیوک صابر و مهدی قصاب که با آیت الله بهبهانی نیز روابط صمیمانه داشتند از بازداشتگاه محل نگهداری آزاد شده و به نقش فعال خود در بسیج اراذل و اوباش و فواحش در حمایت از شاه و تظاهرات خیابانی و حمله به مراکز دولتی پرداختند (رهنما، ۱۳۸۴: ۹۵۸)

با موفقیت کودتا در ۲۸ مرداد، سه روز بعد شاه به کشور بازگشت و در فرودگاه مورد استقبال زاهدی، نصیری، باتمانقلیچ، دفتری و شعبان جعفری قرار گرفت، روز بعد زاهدی نخست وزیر کودتا آقای کاشانی را در دیداری که بسیار مورد توجه قرار گرفت ملاقات کرد و یک روز بعد نیز شاه در اقدامی بی سابقه به ملاقات آقای کاشانی در منزل ایشان رفت این ملاقات به منظور تشکر از ایشان در اعاده به سلطنت انجام گرفت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۳۷۴) یک هفته بعد از کودتای ۲۸ مرداد روزنامه‌ها عکس‌های بزرگی از زاهدی به اتفاق بقایی، مکی، حائری زاده، قنات آبادی و آیت الله کاشانی را چاپ و منتشر نمودند (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۲۶۰)

فرجام پرونده قتل افشار طوس

در دادگاه نظامی تجدید نظر پس از کودتای ۲۸ مرداد دفاعیات دکتر مظفر بقایی و وکیل او به شرح ذیل توسط حزب زحمتکشان ایران منتشر گردید. سرهنگ رستگار وکیل مدافع بقایی: «این بقایی فرد فداکاری است ایشان تمام نقشه‌ها را به نفع مقام سلطنت نقش بر آب می‌کند». (ترکمان، ۱۳۶۳: ۱) مظفر بقایی در این ارتباط می‌افزاید: «من به اعتراف تمام کسانی که وارد در جریانات سیاسی این چند سال اخیر بوده‌اند شخصاً یا با کمک همفکران و دوستان سه دفعه تاج و تخت این مملکت را از خطر سقوط حتمی نجات داده‌ام. هیچکس منکر این مسئله نیست». (همانجا)

حسین خطیبی در دادگاه تجدید نظر قتل افشار طوس را اینگونه شرح داد:

«دولت سابق مقاصدی علیه مقام سلطنت داشت و بدیهی است ملتی با سوابق تاریخ تمدن چند هزار ساله و با محبوبیتی که اعلیحضرت شاه دارند، ملت نگذاشتند دولت سابق به هدف خود برسد». (روزنامه کیهان، ۱۳۳۲/۱۰/۹)

در همین دادگاه تجدید نظر، ضمن صدور قرار منع پیگرد در خصوص تمامی افراد دستگیر شده اعلام گردید پرونده جهت شناسایی قاتلین واقعی افشارطوس و همچنین تعقیب عاملین زجر و شکنجه متهمین دستگیر شده مفتوح خواهد بود (ترکمان، ۱۳۶۳: ۹۴)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در روزنامه کیهان مورخه ۷ مهر ماه ۱۳۶۰ خبر دستگیری فریدون بلوچ قرایی و تیمسار بازنشسته علی اصغر مزینی و اعدام نفر دوم به دلیل شرکت در قتل افشار طوس درج گردید.

در روزنامه اطلاعات شماره ۱۷۰۸۲ به تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۶۲ بلوچ قرایی که از کیفر مجازات به هر دلیلی رهایی یافته با درج یک آگهی از فرقه ضاله بهائیت اعلام برائت نموده و عذر تقصیر از لغزش‌های گذشته در ارتباط با این حزب صهیونیستی بیان نمود!! دختر او ژیلابه جرم منبع ساواک و بهایی بودن از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) اخراج شده بود. (ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۱-۱۵۷)

مجموعه عواملی از شبکه‌های پنهان و آشکار با محوریت بقایی در زمینه سازی‌های سیاسی امنیتی برای اجرای کودتایی ضد ملی بکار گرفته شدند که در اجرای مأموریت‌های مشابه تا آخرین روزهای زندگی بقایی مورد استفاده قرار گرفتند که در مقالاتی دیگر قابل ارائه خواهند بود.



آخرین اوراق پرونده قتل افشار طوس ۳۴ سال بعد

در نوروز ۱۳۶۶ دکتر مظفر بقایی سه ماه پس از انجام سفری که به آمریکا و دیدار با منصور رفیع زاده داشت، در تهران بازداشت گردید از مجموعه اسناد بدست آمده از منزل وی و اعترافات که نامبرده پس از دستگیری داشت نقش غیرقابل انکار او در امریت قتل افشار طوس قطعیت یافت. دفترچه متعلق به افشار طوس در منزل وی پس از ۳۴ سال کشف گردید که تصاویر آن‌ها در ضمیمه الف می‌باشد. (بایگانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی - اسناد مظفر بقایی - دفترچه افشار طوس شماره‌های ۱۲۳-۲۲۴، ۱۲۳-۲۲۳/۳، ۱۲۳-۲۲۳/۲، ۱۲۳-۲۲۳/۱،

۱۲۳-۲۲۳): شامل مشخصات منابع مورد استفاده توسط افشار طوس و پرداختی به آن‌ها (ضمیمه الف)

این همان دفترچه‌ای است که به سناریویی جنجالی تبدیل شده بود و با صحنه سازی که خطیبی و بقایی نزد سایر هم‌دستان از وجود اسامی آن‌ها در آن دفتر به عنوان کسانی که قرار بوده توسط افشار طوس دستگیر شوند بعمل آوردند. اینگونه به مخاطب القاء می‌کنند که افسران پاکسازی شده دیگر چاره‌ای جز قتل افشار طوس نداشتند!! در حالیکه آن‌ها عوامل گوش به فرمان شبکه تحت امر خطیبی و بقایی بودند و از ابتدا قصد قتل افشار طوس را داشتند. وجود این دفترچه نزد مظفر بقایی سند غیرقابل انکار ارتباط وی با قاتلین و امریت او در این جنایت بود، خاطر نشان می‌سازد ادعای وجود اسامی آن افراد و خط کشیده شدن زیر اسامی آن‌ها نیز دروغ بوده است. سایر اسناد مکشوفه از منزل بقایی نیز حاوی اطلاعات ارزشمندی از مجموعه اقدامات پشت صحنه‌ای قتل افشار طوس و تبدیل آن به امکانی برای به جان هم انداختن نیروهای سیاسی فعال در زمان دولت مصدق و زمینه سازی برای اجرای کودتای کم هزینه و غافلگیر کننده ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ارزیابی گردید.

نتیجه گیری

جامعه سیاسی ایران از هنگام ورود به دوران کودکی خود در «مشروطه» و ایام نوپایی خود در دهه ۳۰ شمسی و پتکی که ناباورانه در ۲۸ مرداد بر مغزش وارد شد و سپس در دوران شکل گیری انقلاب اسلامی و ویژگیهایی از احزاب سیاسی به خود دیده که تقریباً در مقایسه با سایر جوامع سیاسی دنیا تفاوت‌های اساسی دارد که به روانشناسی خاص جامعه آن ربط داشته است، در فضای سیاسی تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد احزاب کارکردی فراکشوری و متأثر از قدرت‌های مطرح سیاسی و جهانی داشتند، اما پس از کودتا و تثبیت رژیم با روش‌های سرکوبگرانه امنیتی، احزاب در راستای سرپوش گذاشتن بر بحران مشروعیت رژیم بکارگیری شدند و چهره‌ها و رجال تاثیرگذار که هر یک شناسنامه بعضی از احزاب و تشکل‌های شبه حزبی بودند خودنمایی کردند، در این تحقیق به نقش محوری و تعیین



کننده شخصیتی چون «مظفر بقایی» در راستای شکل گیری پروژه «قتل افشار طوس» که با توجه به اسناد و تحلیل های بدست آمده در این تحقیق می توان ادعا کرد مهم ترین پروژه به عنوان پیش نیاز تحقق کودتا بوده است توجه شده است. البته ویژگی های منحصر بفرد بقایی در شکل گیری پروژه های دیگری از این دست، تا آخرین روزهای زندگی او نیز اهمیت و قابلیت توجه و اهتمام را دارد. در این تحقیق برای اولین بار تکلیف «دفترچه افشار طوس» که همیشه با اشاره و ابهام در نقل های تاریخی به آن اشاره شده روشن می گردد و مهندسی اجرای عملیات تا تحقق «کودتا» بطور مستند ارائه می گردد.

منابع

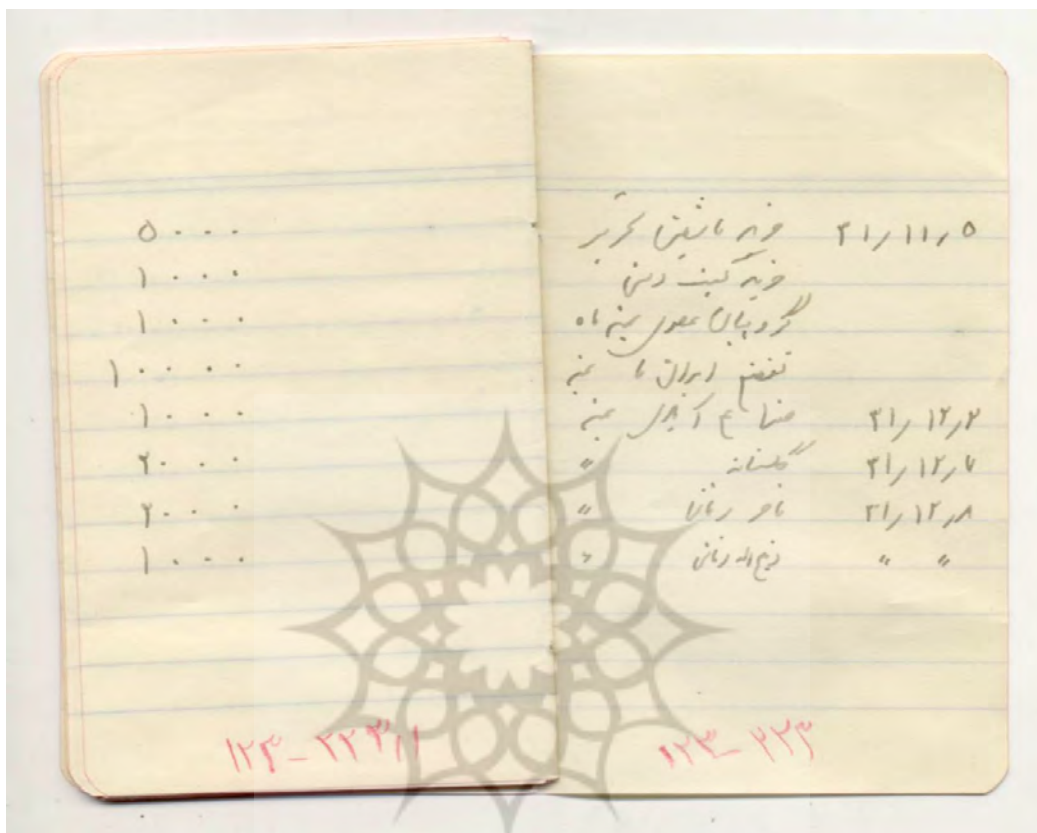
- آبادیان، حسین (۱۳۷۷). زندگینامه سیاسی مظفر بقایی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲). کودتا، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- _____ (۱۳۹۴). کودتا، ترجمه ناصر زرافشان، تهران: نگاه.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹). اسرار کودتا، تهران: نی.
- بدیعی، علی اکبر (۱۳۸۲). نهضت ملی ایران، تهران: ایتا.
- بهنود، مسعود، (۱۳۷۸). کشتگان بر سر قدرت، تهران: علم.
- پتریک، کریستوفر (۱۳۵۹). سیا در ایران، مترجم نعمت الله عاملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۳). توطئه ربودن و قتل افشار طوس، تهران: موسسه رسا.
- رهنما، علی (۱۳۸۴). نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، تهران: گام نو.
- سخایی، محمود (۱۳۳۱). مصدق و رستاخیز ملت، ج ۱، تهران: چاپخانه خواندنی ها.
- سررشته، حسینقلی (۱۳۶۷). خاطرات من، تهران: آشنا.
- سنجایی، کریم (۱۳۶۸). امیدها و نا امیدی ها، لندن: کتاب.
- سیف زاده، حمید (۱۳۷۱). مصاحبه با کریم سنجایی، قم: مؤلف.
- _____ (۱۳۷۱). حافظه تاریخ، تهران: مؤلف.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۷). کودتای ۲۸ مرداد، تهران: انتشارات روایت فتح.
- علم، مصطفی (۱۳۹۳). نفت، قدرت و اصول، مترجم غلامحسین صالح یار، تهران: اطلاعات، چ ۲.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۹). مرداد خاموش، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- ماسلی، لئونارد (۱۳۶۵). نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: خامه.
- متینی، جلال (۱۳۸۴). نگاهی به کارنامه سیاسی محمد مصدق، لس آنجلس: شرکت کتاب.
- محمدآقا، علی و محمد صدیقی (۱۳۶۵). افول یک مبارز، بی جا: مؤلفین.
- مصور رحمانی (۱۳۶۷). کهنه سرباز (خاطرات سیاسی نظامی)، ج ۲، تهران: موسسه رسا.
- مهدوی، منصور (۱۳۹۱-۱۳۹۲). کشف تاریخ فراز و فرود زندگی مصدق، ج ۱-۲، تهران: دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان.
- مهرجو، حبیب الله (۱۳۹۰). خاطرات مرتضی کاشانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۶۴). جنبش ملی نفت و کودتای ۲۸ مرداد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۶). مصدق سال‌های مبارزه و قدرت، ج ۱ و ۲، تهران: رسا.
- مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲). ج ۱ و ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات.

ضمیمه الف:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



ف - ف
داربوش مختار
۱۳۰۷ هجری
بازارستان - مدرسه قائم مقام سرسره زاده
نزل مختار (مبارک دار)
تلفن ۳۴۲۲۵
دانشگاه علامه طباطبائی

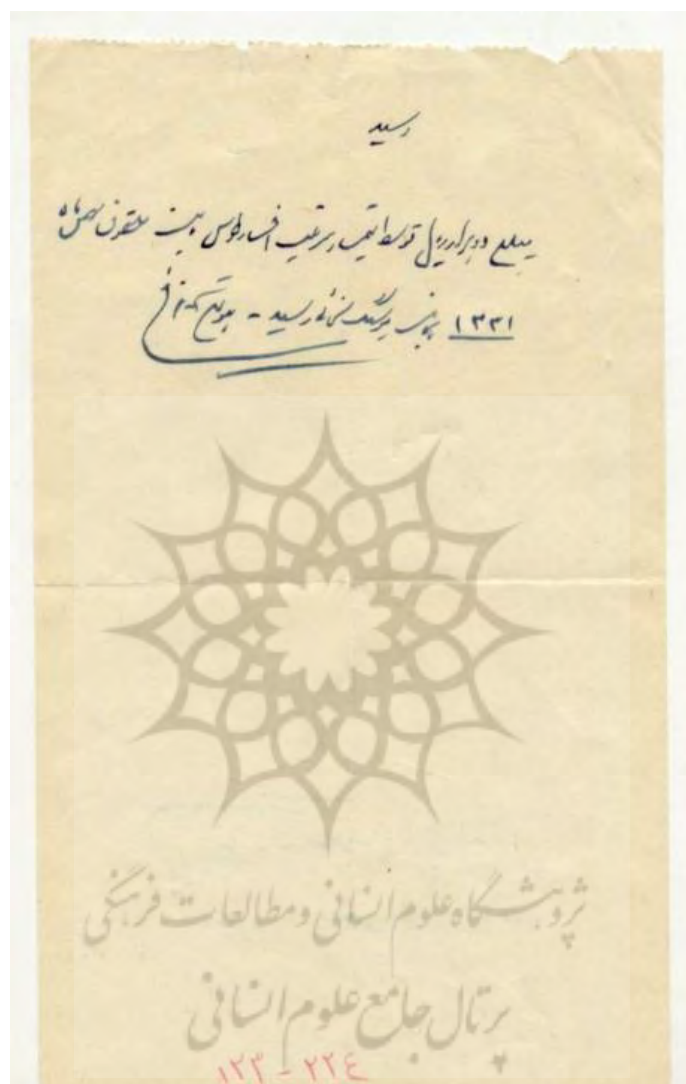
۱۲۴-۲۲۴۳

حسین
۱۲۹۲ هجری
مکان قبایل دانشسرای علامه طباطبائی
مدرسه علوم انسانی
۲۰۰۰

نور - ازرب - حیر - بریان
۵۰۰ تخت بریان - دانشسرای

۱۲۳-۲۲۴۴





چهار صفحه ضمیمه صفحاتی از دفترچه یادداشت افشار طوس اصل این دفترچه در منزل بقایی به هنگام دستگیری او در سال ۱۳۶۶ کشف شد. محل نگهداری بایگانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی - اسناد مظفر بقایی شماره‌های ۲۲۴-۱۲۳، ۲۲۳/۳-۱۲۳، ۲۲۳/۲-۱۲۳، ۲۲۳/۱-۱۲۳، ۲۲۳/۲۲۳-۱۲۳